

سکام مهاجر

۱۱۸ مارس

در صنفه همنز

پرنده کلکهای از الم



۱۹۸۸

نشریه جامعه ایرانیان

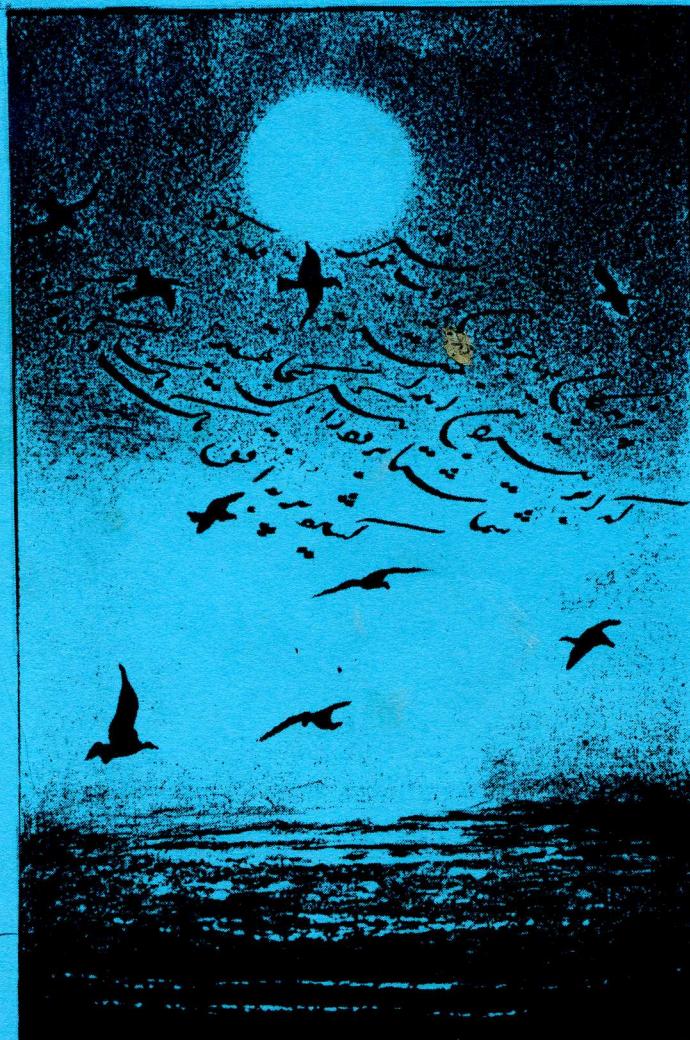
شماره ۲ سال اول دی - دیمن ۱۳۶۶ ژاپویه - فوریه ۱۹۸۸

در این شماره می خواستند:

دو کلمه با هموطنان
ع - فرزانه

نمادهای مادی و فرهنگی
نوروز و سلدا
رضا درهمی

نگاهی کوتاه بر تاریخ نقاشی
فرزانه بیادار
شفیعی کدکنی
در کوچه باغهای نیشابور
شفیعی کدکنی
برندگان مهاجر
زاله اصفهانی
آشناسی با
موسیقی کلاسیک اروپی‌اشی
ب - ل - بهار
چهار کلام درباره فروع فرخزاد
رضا درهمی
و نیما پرشیج -



پرندگان مهاجر

زاله

و یا درون شما را شراره‌ای می‌سوزت ؟
که بود تشنۀ خورشید جان روشنستان ؟

* * *

پرندگان مهاجر، دلم به تشیش است
که عمر این سفر دوستان د راز شود
به باغ باد بهار آید و بدون شما
شکوفه‌های درختان سیب باز شود

* * *

فقط نلاش پر از شور می دهد امکان
که باز بوسه شادی برآشیانه زنید
میان بخمه مستانه پرستوها
شما هم از تهدل بانگ شادمانه زنید.

* * *

به دوش روح چه سنگینی دل آزاری است
خیال آنکه رهی نیست در پس بن بست
برای مردم رهرو در این جهان بزرگ
هزار راه رهائی و روشنائی هست.

پرندگان مهاجر، در این غروب خموش

که ابر تیره تن انداخته به قله‌ی کوه
شما ستا بزده راهی کجا هستید ؟

کشیده پر به افق تک تک و گروه گروه

* * *

چه شد که روی نهادید برد پار دگر ؟

چه شد که از چمن آشنا سفر کردید ؟

مگر چه درد و شکنجی در آشیان دیدید

که عزم دشت و دمن های دورتر کردید ؟

* * *

در این سفر که خطرد اشت بی شمار، آیا

ز کاروان شما هیچ کس شهید شده است ؟

در این سفر که شما را امید بدرقه کرد

دمی زرنج ره دور، نا امید شده است ؟

* * *

چرا به سردی دی ترک آشیان کردید ؟

برای لذت کوتاه گرمی تنستان ؟

* به نقل از "اگر هزار قلم داشتم" ،

برگزیده اشعار زاله اصفهانی، چاپ تهران ۱۳۶۰